

# تفسیر احمد

## سورہ الانفتار



۱۳۹۴

ترجمہ و تفسیر سورہ الانفتار  
تتبع و نگارش: الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »  
مہتمم و دیزاین: الحاج سلیم عابد « پیمان »

## سوره الانفطار

این سوره در « مکه » نازل شده و دارای 19 آیه است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ ﴿١﴾ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَشَرَتْ ﴿٢﴾ وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ﴿٣﴾ وَإِذَا  
الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ﴿٤﴾ عَلِمْتَ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ ﴿٥﴾ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ  
الْكَرِيمِ ﴿٦﴾ الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ ﴿٧﴾ فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ ﴿٨﴾ كَلَّا بَلْ  
تُكذِّبُونَ بِالذِّينِ ﴿٩﴾ وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ ﴿١٠﴾ كِرَامًا كَاتِبِينَ ﴿١١﴾ يَعْلَمُونَ مَّا  
تَفْعَلُونَ ﴿١٢﴾ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿١٣﴾ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ ﴿١٤﴾ يَصَلُّونَهَا يَوْمَ  
الذِّينِ ﴿١٥﴾ وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ ﴿١٦﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الذِّينِ ﴿١٧﴾ ثُمَّ مَّا أَدْرَاكَ مَا  
يَوْمَ الذِّينِ ﴿١٨﴾ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ ﴿١٩﴾

### معلومات موجز:

نام این سوره « الانفطار » ( درزبر داشتن ) است که این نام از اولین آیه این سوره گرفته شده است.

سوره « الانفطار » مکی است، دارای (1) رکوع، (19) نوزده آیت، (70) هفتاد کلمه، (334) سه صدوسی و چهارحرف و (154) یکصد و پنجاه و چهار نقطه است. در اولین آیات این سوره در باره حوادث بزرگ روز قیامت چون در هم شکستن آسمان، پراکنده شدن ستاره ها، شکافتن قبر ها و بر خاستن مرده ها از گور ها بحث بعمل آمده است. سپس نمودار شدن عملگرد های انسانرا به نمایش می گذارد و متصل آن انسان فریب خورده ای که پروردگارش را فراموش کرده و از ملاقات باوی سبحانه و تعالی انکار می کند، با صیغه حیرت آوری مورد خطاب قرار داده از او می پرسد: چه چیزی ترا نسبت به آفریدگار مهربانت فریفته؟ همانکه تر متوازن و متعادل. در شکل و صورت زیبا آفرید؟ چگونه گمان می کند که پروردگارش روز باز پرسى تعیین نکرده، به عملگرد هایش نرسد و پاداش را ندهد؟ در پایان سوره جایگاه نیکو کاران و انجام بد کاران و چگونگی روز مکافات و مجازات را ترسیم و به بیان می پردازد.

### اسباب نزول آیه (6):

ابن ابوحاتم از عکرمه در مورد آیه (6) سوره الانفطار می نویسد که: «آیه» یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ « در باره ابی بن خلف نازل شده است. ابی بن خلف بن وهب بن حذافة بن جمح، اصلا از قبیله قریش، شاخه بنی جمح و یکی از دشمنان سرسخت محمد صلی الله علیه وسلم بود. ابی بن خلف و برادرش امیه، از جمله اشراف قریش در جاهلیت بودند که در دشمنی با

## سوره الانفطار

محمد صلی الله علیه وسلم و مسلمانان، بر دیگران سبقت می جستند. مؤرخین می نویسند: آنچه در زندگانی اُبی دیده می شود، سراسر تکبر و سرکشی است **مورخین می افزایند:** وقتی امیه یکی از بردگانش را شکنجه می کرد، اُبی می گفت: عذابش را افزون کن.

کینه ورزی و دشمنی اُبی با رسول الله صلی الله علیه وسلم از ابتدای بعثت آشکار است. وی و گروهی از سران شرک به دیدار ابوطالب شتافته، و خواستار قطع دعوت رسول الله صلی الله علیه وسلم به توحید شدند.

دشمنی اُبی خلف با رسول الله صلی الله علیه وسلم به حدی بود، هر گاه که رسول الله را در مکه میدید میگفت: «اسبم را نیک پرورش می دهم تا سوار بر آن تو را بکشم» او یکی از جمله سران مشرکین بود که، در جلسه دار النده که برای بقتل رساند پیامبر صلی الله علیه وسلم تدویر یافته بود، شرکت کرد، و کمر به قتل پیامبر صلی الله علیه وسلم بست.

مؤرخین می افزایند: اُبی، جان و مالش را بر سر دشمنی با رسول الله نهاد و از جمله اطعام کنندگان سپاه شرک در غزوه بدر بود او که بر کشتن پیامبر اسلام قسم یاد کرده بود، در جنگ احد، فریاد برآورد: ای محمد! تو را زنده نمی مانم و به گفتن همین کلمه بر پیامبر صلی الله علیه وسلم حمله اور شد، که در نهایت بقتل رسید.

### وجه تسمیه :

این سوره بدان جهت « الانفطار » نامیده شد که با این فرموده حق تعالی: « إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ » آغاز و افتتاح شده است.

سوره انفطار، اولاً از انقلاب کونی سخن می گوید که در روز قیامت پدید خواهد آمد سپس انسان ناسپاس در آن مورد هشدار و سرزنش قرار می گیرد و در نهایت هم علت انکار منکران بیان می شود.

### فضیلت سوره الانفطار:

نسائی از جابر رضی الله عنه روایت کرده است که فرمود: که حضرت معاذ ملامام مردم بود و نماز را طولانی کرد. در این اثنا یکی از افرادی که به او اقتدا کرده بود، نماز خود را از جماعت وی قطع، و به گوشه مسجد رفت، به تنهایی ادای نماز پرداخت و بعد از ختم نماز بطوری انفرادی از مسجد بیرون شد. چون این خبر به معاذ رسید، گفت: فلان شخصی است منافق. پس قضیه را به رسول الله صلی الله علیه وسلم در میان گذشتند. پیامبر صلی الله علیه وسلم آن شخص را خواست و علت اینکه چرا نمازش را در پشت سر امامت حضرت معاذ رها کرده است؟ او گفت: یا رسول الله! من آمدم که پشت سر وی نماز بگذارم اما وی نماز را بر من طولانی کرد، بناچار بازگشته در گوشه مسجد نماز گزاردم و رفتم که به شترم علف بدهم. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم به حضرت معاذ فرمودند: « أَفَتَانَ أَنْتَ يَا مَعَاذُ؟ أَيْنَ كُنْتَ عَنِ سَبْحِ اسْمِ رَبِّكَ الْأَعْلَى وَ وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا وَ إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ: ای معاذ! آیا تو فتنه گری؟ کجا بودی از خواندن سوره های: سَبْحِ اسْمِ رَبِّكَ الْأَعْلَى وَ وَالضُّحَى وَ إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ وَ وَاللَّيْلِ

## سوره الانفطار

إِذَا يَغْشَى « یعنی: چرا از این سوره‌های متوسط بر آنان نمی‌خوانی که در کار دین به ملال نیفتند و از نماز دلتنگ نشوند زیرا اگر چنین شود، از دین دلتنگ گشته و به فتنه در افتاده‌اند.

### ترجمه مختصر:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

«إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ» (1) « ووقتی که آسمان بشکافتد).

«وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ» (2) « ووقتی که ستارگان فروریزند).

«وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ» (3) « ووقتی که بحر ها به جوش آمد روان گردند).

«وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ» (4) « ووقتی که قبرها شکافته شوند).

«عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ» (5) « هر کس بداند که چه چیز پیش فرستاده

و موخر گذشته).

«يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ» (6) « ای انسان! چه چیزی تو را (نسبت)

به پروردگار بزرگوارت فریفت؟».

«الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ» (7) « خدایی که تو را آفرید آن‌گاه استوارت ساخت

سپس (آفرینش تو را) معتدل گرداند».

«فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ» (8) « و آن‌گاه به هر شکلی که خواست تو را

ترکیب کرد».

«كَلَّا بَلْ تُكْذِبُونَ بِالَّذِينَ» (9) « نه چنین نیست بلکه دین را تکذیب می‌کنید».

«وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ» (10) « در حالیکه بی‌گمان نگهبانانی بر شما گمارده

شده‌اند».

«كِرَامًا كَاتِبِينَ» (11) « نویسندگانی بزرگواری».

«يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ» (12) « که هر چه می‌کنید می‌دانند).

«إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ» (13) « (بی‌گمان که نیکو کاران در نعمت های برین باشندند)

«وَإِنَّ الْفَجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ» (14) « (و بد کاران در انبار آتشین).

«يَصَلُّونَهَا يَوْمَ الدِّينِ» (15) « (در روز جزا به آن درمی‌آیند).

«وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ» (16) « (و هرگز غائب شونده ء از آن نباشند)

«وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ» (17) « (و تو چه می‌دانی که روز جزا چیست؟».

«ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ» (18) « (باز تو چه می‌دانی که روز جزا چیست؟).

«يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ» (19) « (روزی که هیچ کسی

برای دیگران نمی‌تواند کاری بکند و در آن روز فرمان، فرمان خدا است».

### آشنایی با سوره:

محتوی اساسی این سوره بر محور مسائل مربوط به روز قیامت دور می زند، و بحث آن در پنج موضوع اساسی خلاصه می گردد:

- 1- گوشه ای از سختیهای آن روز بزرگ.
- 2- سرنوشت نیکان و بدان در روز قیامت.
- 3- توجه انسان به نعمتهای خداوند که سراسر وجود او را فراگرفته است.
- 4- اشاره به فرشتگانی که مأمور ثبت اعمال انسانها هستند.
- 5- حوادث عظیمی که در پایان جهان و در آستانه قیامت رخ می دهد.

### تفسیر سوره:

«إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ» (1) ( و وقتی که آسمان شکافته شود ).

«وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ» (2) « ستارگان پراکنده شوند ( و فرو ریزد ).

یگی از نشانه های پایان جهان و بر پا شدن قیامت، دگرگون شدن نظام کواکب نظام شمسی و شکافتن و درز، بر داشتن آسمانی است که در آیات کثیری از قرآن عظیم الشان به این موضوع، اشاره شده و تعبیرات مختلفی درباره آن دیده می شود.

گاه این تعبیرات به لفظ «انشقاق» بعمل آمده: «إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ»: ( هنگامی که آسمان شکافته شود. (سوره انشقاق - 1)

نظیر همین معنا در آیه 16 حاقه نیز آمده است: «وَأَنشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ»: (و آسمان ها از هم شکافته می شوند و سست می گردند، فرو می ریزند)

در آیه 25 سوره فرقان، همین معنا با مختصر تفاوتی منعکس است: «وَيَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ»: (به خاطر بیاور روزی را که آسمان با ابرها از هم شکافته می شود!) منظور از «سما» در این آیات کرات آسمانی است که در پایان جهان بر اثر انفجارهای پی در پی از هم شکافته می شود، ولی در این که منظور از شکافته شدن با «ابرها» چیست؟ این احتمال وجود دارد که منظور همراه بودن متلاشی شدن آسمان ها با پیدایش ابرهای سنگینی است که از گرد و غبار آنها حاصل می شود.

«وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ» (3) « و وقتی که بحر ها به جوش آمد روان گردند ).

«وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ» (4) « و وقتی که قبرها شکافته شوند ( زمانیکه قبر ها شگافته شود و مرده ها از قبر های شان بیرون آیند، هر شخص کردار گذشته و آینده خود را خواهد دانست، هر کی در هر جا دفن شده بود از همانجا بر می خیزد و بسوی محشر در حرکت می افتد. مقتضای این وقایع، اینست که انسان از خواب غفلت بیدار شود.

«عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ» (5) (در آن هنگامی) هرکس خواهد دانست آنچه را که پیش فرستاده و آنچه را که باز پس داشته است)

در آنروز عملکرد های انسان بدون کم و کاست، بطور دقیق و با ارائه زمان و مکان و چگونگی هر عملی در جلوش به نمایش گذاشته می .

«يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ» (6) ای انسان! چه چیزی تو را (نسبت) به

پروردگار کریمت مغرور ساخته است؟

در این آیه متبرکه: بعد از اینکه بحث درباره معاد بعمل آمد، مبحث دیگری را پروردگار با عظمت ما با بسیار شکل عالی مطرح، و میخواید انسان را از خواب غفلت بیدار ساخته و توجه و اهتمام او را به مسولیت های او در برابر خداوند جلب مینماید. مفسرین می نویسند در این آیه توجه انسان، به مسولیت هایش در برابر خداوند، نخست او را مخاطب ساخته، و با يك استفهام توبيخی شدید و در عین حال توأم بانوعی لطف و محبت می فرماید: «ای انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار کریمت مغرور ساخته؟»

غرور یا خودفریفتگی به این معنا است که انسان به آنچه دارد از کمالات و امکانات بسنده کند و خویش را کامل و رسیده بداند و از حرکت برای یافتن و دانستن و بکار بستن باز ماند و دچار سکون شود.

غرور به معنی فریفتگی به داشته ها و جذابیت های غیر حقیقی و علائق دنیوی است که باعث می شود انسان از یاد خدا غافل شود و معنویت و سرمایه های حقیقی سعادت خود را فراموش نماید و در نتیجه آن به انواع امراض اخلاقی و روانی مانند عجب، تکبر، خودخواهی و مانند آن مبتلا گردد.

این کلمه به طور وسیعی در کلمات عرب مخصوصا در آیات قرآن مجید و روایات اسلامی به کار رفته است.

«راغب» در کتاب «مفردات» کلمه «غرور» (به فتح غین که معنی وصفی دارد) را به معنی هر چیزی که انسان را می فریبد و در غفلت فرومی برد خواه مال و مقام باشد یا شهوت و شیطان تفسیر می کند.

در «صحاح اللغة» «غرور» به معنی اموری که انسان را غافل می سازد و می فریبد (خواه مال و ثروت باشد یا جاه و مقام یا علم و دانش و غیر آن) تفسیر شده است. بعضی از ارباب لغت - به گفته «طریحی» در «مجمع البحرین» گفته اند: «غرور فریفتگی به چیزی است که ظاهری جالب، و دوست داشتنی دارد، ولی باطنش ناخوشایند و مجهول و تاریک است».

در کتاب «التحقیق فی کلمات قرآن الکریم» بعد از نقل کلمات ارباب لغت چنین آمده است: «ریشه اصلی این واژه به معنی حصول غفلت به سبب تاثیر چیز دیگری در انسان است و از لوازم و آثار آن جهل و فریب و نیرنگ و نقصان و شکست و... می باشد». در «المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء» که از بهترین کتب اخلاق محسوب می شود و تکمیل و تهذیبی است برای «احیاء العلوم» «غزالی» چنین می خوانیم:

«غرور عبارت است از دلخوش بودن به چیزی که موافق هوای نفس و تمایل طبع انسانی است و ناشی از اشتباه انسان یا فریب شیطان است و هر کس گمان کند آدم خوبی است (و نقطه ضعفی ندارد) خواه از نظر مادی یا معنوی باشد و این اعتقاد از پندار باطلی سرچشمه بگیرد آدم مغروری است و غالب مردم خود را آدم خوبی می دانند در حالی که در اشتباهند بنابراین اکثر مردم مغرورند، هر چند شکل غرور آنها و درجه آن

## سوره الانفطار

متفاوت است».

«الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ» (7) «خدایی که تو را آفرید آن‌گاه استوارت ساخت سپس (آفرینش تو را) معتدل گرداند».

ای انسان ناسپاس، چه چیز تو را در باره پروردگار بخشنده‌ات مغرور ساخت؟ ذات پروردگار با عظمت کسی است که تو را از نطفه خلق کرد، و به تو هیکل زیبا اعطا کرد، و نعمت حواس پنجگانه بخشید، که از برکت آن می‌شنوی، می‌بینی و درک می‌کنی. در این آیه مبارکه، خلقت و آفرینش انسان، ساختار درست، برابر و استوار آن، تعاد و توازی که در ساختار انسان بکار رفته، یاد آوری نموده است.

«فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ» (8) «و آن‌گاه به هر شکلی که خواست تو را ترکیب کرد» پروردگار با عظمت تو را در صورت و ساختاری ترکیب کرد که از آراسته‌ترین و معتدل‌ترین ترکیبهاست.

قرآن عظیم الشان در مورد زیبایی ترکیب انسان و صورت آن می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ التَّقْوِيمِ» (سوره تین آیه 4) (ما انسان را به نیکوترین صورت و سیرت آفریدیم).

- همچنان (در آیه غافر آیه 64) می‌فرماید: «... و صورکم فأحسن صورکم» (و شما را صورت بخشید و صورتهایتان را نیکو ساخت).

- در آیه 3 سوره تغابن می‌افزاید: «... و صورکم فأحسن صورکم و الیه المصیر» - «فتبارک الله أحسن الخالقین» (سوره مؤمنون آیه 14) (پاک و بزرگوار خدایی که نیکوترین آفرینندگان است).

حسن صورت عبارت است از تناسب تجهیزات آن نسبت به یکدیگر و تناسب مجموع آنها با آن غرضی که به خاطر آن غرض ایجاد شده، این است معنای حسن نه زیبایی منظر، چون حسن يك معنای عامی است که در تمامی موجودات جاری است.

ابن عباس می‌گوید: انسان در زیباترین صورت یعنی مستوی القامه و مستقیم آفریده شده است. نه مثل سایر حیوانات سرافکنده و افتاده بر صورت. (تفسیر المیزان)

«أحسن التقویم» یعنی انسانها با کمال در نفوس و اعتدال در جوارح و اعضایشان آفریده شده‌اند و با سخن گفتن و تشخیص دادن و تدبیر امور کردن از دیگر موجودات جدا شده‌اند (سوره حجر/85)

«كَلَّا بَلْ تُكْذِبُونَ بِالَّذِينَ» (9) هرگز چنین نیست (که شما گمان می‌کنید) بلکه شما روز جزا را تکذیب می‌کنید».

بعد از اینکه پروردگار از بیان نشانه‌های قیامت و بعد از برشمردن نعمتهای خود بر انسان و انکار و ناسپاسی آنها از سوی وی، علت این انکار را که تکذیب روز قیامت است ذکر می‌کند می‌گوید:

کلا: کلمه‌ای است برای تنبیه و هشدار دادن به آن انسان‌ها است و گوشزد می‌کند و او نباید به کرم خداوند جلّ جلاله مغرور شده و نعمت و فضلش را وسیله‌ای به‌سوی کفر بگرداند.

« **وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ** » ( 10 ) ( در حالیکه بی‌گمان نگهبانانی بر شما گمارده شده‌اند ». یعنی تردید و تکذیب تو سودی نمی‌بخشد ، نه قیامت را به تاخیر می‌اندازد و نه از محاسبه محتوم و قطعی ات مانع می‌شود ، متوجه باش که نگهبانانی بر تو گماشته شده اند که همواره تورا با دقت تام تحت و نظارت و مراقبت قرار می‌میدهد .

« **كِرَامًا كَاتِبِينَ** » ( 11 ) « نویسندگانی بزرگواری » . نه تنها اعمال انسان را یادداشت میکند ، بلکه انگیزه حرکات ها و نیت هدف و مقصد شما را گزارش میدهد .

« **يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ** » ( 12 ) ( که هر چه می‌کنید می‌دانند ) . در اینجا پروردگار به آنده اشخاص ، که روز جزا روز قیامت وزنده شدن بعد از مرگ ، را دروغ می‌شمارید و از آن انکار می‌کنید می‌فرماید : نباید فراموش کرد که : فرشتگان از جانب خداوند جلّ جلاله بر شما گماشته شده‌اند و طوریکه در فوق تذکر دادیم ، اعمال شما را می‌نویسند تا روز قیامت در برابر آنها مورد محاسبه قرار گیرید و آن فرشتگان هر چه را که انجام می‌دهید ، می‌دانند و می‌نویسند ، متوجه باشید که هیچ حرکت و هیچ نیت و قصد شما برای آنها پنهان نمی‌ماند .

در حدیث به روایت ابن عباس رضی الله عنهما آمده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: « **إِنَّ اللَّهَ يَنْهَأكُمْ عَنِ التَّعْرَى، فَاسْتَحْيُوا مِنْ مَلَائِكَةِ اللَّهِ الَّذِينَ مَعَكُمْ، الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ، الَّذِينَ لَا يَفَارِقُونَكُمْ إِلَّا عِنْدَ ثَلَاثِ حَالَاتٍ: الْغَائِطِ، وَالْجَنَابَةِ، وَالْغَسْلِ، فَإِذَا اغْتَسَلَ أَحَدُكُمْ بِالْعَرَاءِ فَلْيَسْتَتِرْ بِثُوبِهِ أَوْ بِجَرْمِ حَائِطٍ، أَوْ بِبَعِيرَةٍ** » ( خداوند جلّ جلاله شما را از برهنه شدن نهی می‌کند پس از فرشتگان خداوند جلّ جلاله که همراه شما هستند حیا کنید؛ از آن نویسندگان گرامی قدری که از شما جدا نمی‌شوند مگر در سه حالت: رفتن شما به قضای حاجت، حالت جنابت و حالت غسل و چون یکی از شما در فضایی باز غسل می‌کند، باید خود را با جامه خویش، یا به پناه دیواری، یا به شتری استتار کند. »

### آیا پیامبران هم دارای کرام الکاتبین هستند؟

مطابق نصوص شرعی گفته می‌توانیم که ، تمام انسانها دارای دو ملائکی هستند که احوال و جریانات روزمره وی را ثبت می‌کنند ، این ملائکه یکی در سمت راست و دیگری هم در سمت چپ، انسان قرار دارند . ملائک سمت راست مشغول نوشتن حسنات شخص بوده ، و در ضمن امیر ملائک سمت چپ را نیز بر عهده دارد ، وظیفه ملائکه سمت چپ ، نوشتن وثبت سیئات شخص می‌باشد .

هرگاه شخص دچار گناهی شد ملائک سمت چپ می‌خواهد که آنرا ثبت نماید ولی ملائک سمت راست به وی می‌گوید صبر کن و به وی مهلت بده شاید توبه کند .

و هرگاه حسنه ای انجام داد ملائک سمت راست بدون وقفه فوراً آنرا ثبت می‌کند . الله تعالی می‌فرماید: « **عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ** » (سوره ق : 17 - 18) یعنی: آنگاه که دو (فرشته) دریافت‌کننده از راست و از چپ مراقب نشسته‌اند ( انسان ) هیچ سخنی را به لفظ در نمی‌آورد مگر اینکه مراقبی آماده نزد او ( آن را ضبط می‌کند) .

## سوره الانفطار

اما در خصوص اینکه ، آیا پیامبران هم دارای کرام الکاتبین هستند؟ مراجعه میکنیم به حدیث که از « عن عبد الله هو ابن مسعود قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : ما منكم من أحد إلا وقد وكل به قرينه من الجن ، وقرينه من الملائكة . قالوا : وإياك يا رسول الله قال : وإيأي ، ولكن الله أعانني عليه فلا يأمرني إلا بخير » . ( امام أحمد )  
یعنی: از عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: هیچ یک از شما نیست مگر اینکه قرینه ای از جن و قرینه ای از ملائک موکل (اعمال وی است) گفتند: حتی شما ای رسول الله؟ فرمود حتی من، ولی خداوند مرا بر آن پیروز گردانیده و جز خیر مرا به چیزی امر نمی کند.  
بنابراین گفته میتوانیم که تمامی انسانها از جمله پیامبران نیز دارای ملائک کاتب بر اعمالشان هستند.

### فرشتگان نیت و قصد انسانها را هم می نویسند:

در حدیثی آمده است که فرشتگان حتی نیت و قصد ، و آنچه در قلب بنی آدم است، و آنرا در قلب می گوید، و آنچه نیت می کند که آنرا انجام دهد، آنرا نیز می نویسد .  
به همین خاطر است که اگر انسان نیت نیک نماید ثوابش به اومی رسد، و بر نیت بد نیز مجازات می شود، زیرا نیت عمل قلبی است .

فرشتگان مأمورند ، از وقتی که یک انسان به سن بلوغ می رسد و تا لحظیکه از دنیا رحلت می نماید ، آنچه در دنیا از نیت و کردار و گفتار انجام داده همه آنرا می نویسد .

### منزلت و مکانت نماز صبح و نماز عصر در بین نمازهای دیگر:

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: « يتعاقبون عليكم ملائكة بالليل وملائكة بالنهار يجتمعون في صلاة العصر وفي صلاة الفجر .. » . ( متفق علیه ) . فرشتگانی پی در پی بر شما وارد می شوند، گروهی شب می آیند و گروهی روز می آیند ، و اینها صبح و عصر با هم يك جا جمع می شوند . باری تعالی می فرماید: « وقرآن الفجر » . یعنی نماز صبح . و می فرماید: « إن قرآن الفجر كان مشهوداً » . ( سوره الإسراء 78 ) . ( حقا که نماز صبح مورد مشاهده فرشتگان شب و فرشتگان روز است ) .

فرشتگان شب و فرشتگان روز در آن حاضر می شوند، و به قرآنی که در نماز تلاوت می شود گوش میدهند، و در نماز عصر حاضر با هم جمع می شوند، خداوند در حالیکه حال انسانها را از فرشتگان بهتر می داند از آنها سؤال می کند: چگونه و در چه حالی بندگانم را ترك کردید؟ آنها می گویند: آنها را ترك کردیم در حالیکه نماز می خواندند، و به آنان وارد شدیم در حالی که نماز می خواندند . یعنی فرشتگان نازل شدند و ما در نماز عصر بودیم و با ما در نماز حاضر بودند، و بالا رفتند در حالیکه ما در نماز صبح بودیم، و به این خاطر نماز عصر، نماز وسطی یعنی میانه نامیده شده است که خداوند بر آن تشویق کرده می فرماید: « حافظوا على الصلوات والصلوة الوسطى » . ( سوره البقره 238 ) .

( محافظت کنید بر نمازهای فرض شبانه روزی، و بخصوص نماز میانه که نماز عصر است ) . یعنی نماز عصر زیرا فرشتگان شب و فرشتگان روز در آن حاضر میشوند .

« **إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ** » (13) (بی گمان که نیکو کاران در نعمت های برین باشند). نیکو کاران ، و مؤمنان راستینی که کار نیک انجام می دهند و در تمام کارهای خویش تقوی را مد نظر داشته و از خدای عزوجل پروا می کنند؛ «در نعمت اند» یعنی: در ناز و نعمت بهشتی قرار دارند. و بد کاران حتماً در انبار آتشین بسر خواهد برد ، در این هیچ جای شک نیست که روز محاسبه آمدنی است و هر یک پاداش اعمالش را می یابد و به جایگاه مناسب خود می رود.

« **وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ** » (14) (و یقیناً بدکاران در (آتش) جهنم اند). فجار: جمع فاجر است. یعنی کفاری که شریعت الهی را ترک کرده اند «در دوزخند» بنابراین، مراد از «فجار» کفارند و این خطاب، مرتکبان گناه کبیره را شامل نمی شود.

« **يَصَلُّونَهَا يَوْمَ الدِّينِ** » (15) (در روز جزا به آن درمی آیند). پروردگار برای مکافات و مجازات کامل اعمال موعدی را مقدر کرده که آنرا یوم الدین نام گذاشته ، فجار و بد کاران در یوم الدین پس از محاسبه و محاکمه وارد جهنم می شوند . و در کام شعله های سرکش آن، سختی ها می چشند و عذابها می بینند. « یوم الدین : به معنای جزا و حساب و طاعت است. شریعت و قانون را از آن جهت «دین» گفته اند که در آن طاعت و پاداش و جزاست.

آیات 4 سوره فاتحة الكتاب و 35 حجر و 82 شعراء و 20 صافات و 78 ص و 12 ذاریات و 56 واقعه و 26 معارج و 46 مدثر و 11 مطفین و 7 تین و 1 ماعون از روز قیامت به نام «یوم الدین» و از قیامت به «دین» یاد کرده اند. مگر نه این است که روشنترین برنامه و اصلترین هدف برپایی قیامت برنامه دین، یعنی جزا و پاداش و حساب الهی اعمال آدمی، است. آری، یوم الدین روزی است که پرده از روی اعمال و حقایق برداشته می شود و بعد از محاسبه دقیق اعمال به هر کس جزایی موافق عملش داده می شود. این حقیقت «یوم الدین» است

امام رازی نقل کرده است که: «سلیمان بن عبدالمک خلیفه اموی عازم مکه بود و در راه مکه از مدینه می گذشت پس در دیداری که با ابوحازم داشت، به وی گفت: فردای قیامت قرار گرفتن در پیشگاه خداوند جلّ جلاله چگونه است؟ ابوحازم گفت: اما نیکوکار؛ او همانند شخص سفر کرده ای است که از سفر نزد خانواده اش برمی گردد و اما بدکار پس او همچون برده گریزی پای است که نزد مولای خویش آورده می شود. راوی می گوید: سلیمان گریست و سپس گفت: ای کاش می دانستم که خدای سبحان با ما چه می کند؟! ابوحازم گفت: این کار ساده ای است؛ عملت را بر کتاب خداوند جلّ جلاله عرضه بدار، آن وقت می دانی که او با تو چه خواهد کرد. سلیمان گفت: این توصیه تو در کجای کتاب خدا جلّ جلاله آمده است؟ ابوحازم گفت: **إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ** . سلیمان گفت: در این صورت، رحمت خداوند جلّ جلاله در کجاست؟ ابوحازم پاسخ داد: **إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ** : بی گمان رحمت خداوند جلّ جلاله به نیکوکاران نزدیک است» «اعراف/56».

## سوره الانفطار

«وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ» (16) (وهرگز غائب شونده از آن نباشند)

نه چنان بسوزند که به خاکستر تبدیل شوند و از درد سوختن برهند .  
یعنی: دوزخیان فاجر کافر، هرگز برای ساعتی هم از دوزخ جدا نشده و از آن دور نمی‌شوند و عذاب آن بر آنان سبک نمی‌شود بلکه برای ابد در آن بهسر می‌برند.  
دوزخ به لحاظ شدت گرمی و نوع عذابی که خداوند برای اهل آن در نظر گرفته است، متفاوت است و عذاب و شدت حرارت آن یک نواخت نمی‌باشد. خداوند می‌فرماید: « إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا » (سوره النساء: 145) (بیگمان منافقان در اعماق دوزخ و در پائین‌ترین مکان آن هستند و هرگز یآوری برای آنان نخواهی یافت (تا به فریادشان رسد و آنان را برهاند).  
واژه «الدرك» در لغت عرب به هر چیز رده پائین و «الدرج» به هر چیز رده بالا گفته می‌شود. بنابر این برای بهشت درجه و درجات و برای دوزخ درک و درکات بکار می‌رود.

دوزخ به هر میزان که پائین‌تر باشد، حرارت و شعله‌هایش نیز به همان اندازه شدیدتر می‌شود. منافقان بهره بیشتری از آتش دوزخ دارند، بهمین خاطر در درک اسفل دوزخ خواهند بود.

گاهی به مراتب دوزخ «درجات» نیز اطلاق می‌گردد.

خداوند در سوره انعام بعد از ذکر اهل بهشت و دوزخ می‌فرماید: « وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا » (سوره الأنعام: 132) (و هر یک (از نیکوکاران و بدکاران) دارای درجاتی (و درکاتی از پاداش و عزت و پادافره و ذلت در جهان دیگر) بر طبق اعمال خود هستند).  
« أَفَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ \* هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ » (سوره آل عمران: 162 - 163) (آیا کسی که (با طاعت و عبادت) در پی خوشنودی خدا است، مانند کسی است که (با معصیت و نافرمانی) خشم خدا را نصیب خود می‌کند، و جایگاه او دوزخ خواهد بود؟! و دوزخ بدترین بازگشتگاه است. (هر یک از) آنان (چه دینداران و چه بی‌دینان) برای خود جاه و مقام، و جا و مکانی در پیشگاه خدا دارند (و برابر و یکسان نیستند) و خداوند می‌بیند آنچه را که انجام می‌دهند (لذا درجات و درکات هر یک را برابر کردار و رفتارشان تعیین می‌نماید و به هرکس آن دهد که سزد).

عبدالرحمن بن زید بن مسلم می‌گوید: درجات جنت به سوی بلندی و درجات دوزخ به سوی بلندی و پستی می‌روند. (تخويف من النار لا بن رجب : صفحه 50).

از برخی سلف نقل شده است که: موحدین گناهکار که وارد دوزخ می‌شوند در درک اعلی، یهود در درک دوم، نصاری در درک سوم، صابئین (بی‌دینان) در درک چهارم، مجوس در درک پنجم، مشرکین اعراب در درک ششم و منافقان در درک هفتم خواهند بود.

و در برخی کتاب‌ها نام آن درکات نیز وارد شده است:

درک اول: جهنم، درک دوم: لظی، درک سوم: حطمه، درک چهارم: سعیر، درک پنجم:

سفر، درک ششم: جحیم و درک هفتم هاویه نام دارند.

ولی تقسیم مردم در دوزخ بر اساس تقسیم مذکور صحیح نیست. همانگونه که نامگذاری مراتب دوزخ به گونه‌ای که بیان گردید صحت ندارد. قول راجح و صحیح آن است که هم این اسماء مذکور مانند: جهنم، لظى، حطمه... نامی برای دوزخ هستند نه اینکه هر کدام نام بخشی از دوزخ باشد. البته این مطلب که مردم به لحاظ کفر و گناهان خود، مراتب متفاوتی خواهند داشت، صحت دارد.

«وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ» (17) ( و تو چه می‌دانی که روز جزا چیست؟ ).

مهمترین شاخصه یوم الدین در این آیات اقتدار الهی است از اقتدار الهی و از ظهور و بروز سلطنت الهی به عنوان مهمترین شاخصه یوم الدین ذکر شده. ومی فرماید :

« ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ » (18) ( باز تو چه می‌دانی که روز جزا چیست؟ ).

«يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ» (19) ( روزی که هیچ کسی برای دیگران نمی‌تواند کاری بکند و در آن روز فرمان، فرمان الله است ).

روز کیفر و پاداش، روزی است که هیچ کسی اختیار هیچ چیزی را برای دیگری ندارد. روز رستاخیز روزی است که کسی توان دفاع از کسی دیگری را ندارد و تنها در فکر نجات خویش است و بسان دنیا نیست که زورمندان و ظالمان قادر به تحقق اهداف شوم خویش باشند، و هر چه که بخواهند آنرا انجام و عملی نمایند.

«وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ» (و کارها آن روز، همه و همه تنها از آن خداست.) بلی، آن روز قضاوت در میان بندگان و پایان دادن به کشمکش‌ها، گرفتن حق مظلوم از ظالم، ارزانی داشتن پاداش به نیکان و عدالت خواهان و عفو و بخشایش گناهکاران، تنها از سوی خداست و بس. هیچ کس ( هر که باشد ) اختیار رساندن چیزی از منفعت را در روز قیامت برای کس دیگری ندارد و در آنجا جز خداوند جلّ جلاله پروردگار عالمیان، هیچ کس نیست که حکمی صادر کند یا کاری را انجام دهد.

یعنی اقتدار بی حد و مرز الهی و ظهور و بروز قدرت کامله الهی در روز قیامت عیان می‌شود.

### توضیح مختصر درباره روز قیامت:

قرآن عظیم الشان در تعریف و توضیح وضع زمین، آسمان و انسان در روز قیامت و اینکه روز رستاخیز برای چه اوصاف است می‌فرماید: قرآن مجید روز قیامت را روز فرار مسمی نموده است، روزیکه انسان از پدر، مادر، برادر، خواهر، همسر، فرزندان و اقوام خود می‌گریزد و هر کس به کار خود مشغول است و در واقع روز محشر، روز قطع پیوندها و خویشاوندی است.

قرآن عظیم الشان می‌فرماید که در روز حشر تنها، در زنده شدن دوباره انسانها خلاصه نمی‌شود، بلکه همراه آن مجموعه ای از حوادثی مهمی رخ می‌دهد که برخی از این رویدادها و حوادث عبارتند از:

### وضع زمین و دریاها و کوه ها :

بر اساس آیات سوره های مبارکه « تکویر، زلزال، دخان و واقعه، در روز قیامت،»

لرزشی سخت زمین را فرا می گیرد. آنچه بر زمین پدیدار گشته، فرو می پاشد. سطح زمین آشکار و نمایان می گردد. زمین شکافته می شود و مردگان از آن بیرون می آیند تا در قیامت محشور گردند. دریاها از هم شکافته، جوشان و برافروخته می شوند. کوه ها از جا کنده می شوند و به صورت غیر متعادل به حرکت در می آیند و به مثل تلی از خاک در می آیند و مانند پشم زده می شوند و نرم و انعطاف پذیر می گردند، و سرانجام مانند ذرات غبار پراکنده می شوند. از سلسله کوه های سر به فلک، جز سرابی چیز دیگری باقی نمی ماند.

### وضع آسمان و ستارگان:

سوره های « تکویر، انفطار، طور و الرحمن » درباره وضع آسمان و ستارگان اشاره دارند که وضع آسمان در روز قیامت دگرگون می شود و ستارگان از جای کنده می شوند، آسمان دچار نوعی تموج و حرکت پاره پاره و شکافته می شود و مانند گل سرخ و روغن و فلز مذاب روان نمایان می گردد و سرانجام به شکل دود درآمده، در هم پیچیده می شود. نور، آفتاب و ماه به خاموشی می گراید. نظم آنها به هم می خورد و به سوی زمین پرتاب می گردند.

### نفخ صور:

در آیات و روایات اسلامی آمده است که: یکی از نشانه های قیامت « نفخ صور » است و آن دو نفخ دمیدن است که یکی نفخ مرگ است و پیش از قیامت عمومی رخ می دهد، یعنی پیش از برپایی قیامت صدای مهیبی به گوش همه موجودات خواهد رسید که موجب مرگ همه آنها می شود و به واسطه آن نظام عالم به هم می خورد. دیگری نفخ حیات است که قیامت برپا می شود و صحنه جهان با نور خدا روشن می گردد و همه انسانها و حتی حیوانات در يك لحظه زنده می شوند. قرآن مجید در سوره زمر آیه 68 درباره نفع صور می فرماید؛ و در صور دیده می شود، پس همه کسانی که در آسمان ها و زمین هستند می میرند مگر آنان که خدا بخواهد. سپس بار دیگر در صور دمیده می شود، ناگهان همگی به پا می خیزند و در انتظار حساب و جزا می مانند.

### اوصاف رستاخیز:

قرآن عظیم الشان، نام ها و اوصاف مختلفی برای قیامت بر شمرده است که هر يك به حقیقتی اشاره دارند. برخی از آنها عبارتند از:

- واقع شدنی و تردید ناپذیر است:

قرآن عظیم الشان در آیه 2 سوره واقعه و آیه 7 سوره حج قیامت را امری می داند که در وقوعش هیچگونه شك و تردیدی نیست.

- نزدیک بودن:

قرآن عظیم الشان در آیه 7 سوره معارج روز قیامت را نزدیک می شمارد. و در برخی از تعبیر از آن با کلمه « فردا » یاد می کند از جمله ( آیه 18 سوره مبارکه حشر. )

- حق بودن قیامت:

قرآن عظیم الشان در آیه 39 سوره نباء قیامت را روز حق می داند، روزی است که در آن حق مطلق، ظهور می کند و جایی برای باطل نیست و هر کسی به حق خود می رسد.

### - خبر بزرگ:

قرآن عظیم الشان در آیه 67 سوره ص، آیه 15 سوره یونس و (آیه 3 سوره هود) از قیامت با عنوان « خبر بزرگ » یاد می کند و نیز با تعبیر « روز عظیم » ، زیرا رویدادها و حوادثی عظیمی در آن روز رخ می دهند و همچنین با تعبیر « روز کبیر » یاد گردیده است .

### - روز فریاد:

صحنه روز محشر را « روز فریاد » و یوم « التناد » گویند. این نام، بدان جهت است که دوزخیان بهشتیان را صدا می زنند. (سوره اعراف آیه 50)

### - پیر کننده:

قیامت روزی است کودکان و نوجوانان در آن پیر می شوند. دلیل آن شاید طولانی بودن و یا سخت بودن حوادث آن روز است. (مراجعه به آیه 17 سوره مزمل)

### - آشکار شدن رازها:

در قیامت، همه رازها و اعمال انسان آشکار می گردند و مومنان و بدکاران با چهره خود باز شناخته می شوند و نامه اعمال انسان گشوده می گردد، نامه ای که همه اعمال در آن ثبت است و هر کس هر عمل خوب و بدی را که انجام داده می بیند. (سوره طارق آیه 9 و سوره تکویر آیه 10)

### وجوب ایمان به فرشتگان:

از جمله اصول پنجگانه اسلامی یکی هم ایمان بر فرشتگان است فرشتگان آنها هستند که خداوند نام آنان را بر ایمان ذکر فرموده است، مانند جبریل و میکائیل و اسرافیل و مالک نگهبان جهنم: « و نادوا یا مالک ليقض علينا ربك » (سوره الزخرف 77) . (آن دوزخیان مالک نگهبان جهنم را ندا کرده و می گویند: ای مالک از پروردگارت بخواه تا ما را مرگ دهد، بمیریم و راحت شویم) . بر مسلمانان است که بر این فرشتگان ایمان داشته باشند، چه آنانیکه نام شان ذکر شده و چه آنانیکه نام شان ذکر نشده است، و به اعمال و کرداری که آنان به فرمان خدا آن اعمال را انجام می دهند. و فرشتگانی هستند در آسمان که مشغول عبادت و رکوع و سجود پروردگار اند ، و هیچ جائی از آسمان نیست مگر اینکه فرشته ای از فرشتگان در حال رکوع و سجود خداست .

و فرشتگانی هستند که جز خداوند کس دیگری از آنها خبر ندارد، و ما بطور اجمالی ایمان می اوریم به آن فرشتگان که نام آنها ذکر نشده، و بطور تفصیلی ایمان می اوریم ، به آن فرشتگانی که نامشان ذکر شده، و آنان را دوست داریم . و آنها بیشترین کسانی هستند که بنی آدم را به نیکی و خیر نصیحت می کنند، و به نیکی فرمان می دهند ، و برای آنان استغفار می کنند ، چنانکه خداوند عز وجل می فرماید: « الذین يحملون العرش ومن حوله يسبحون بحمد ربهم ويؤمنون به ويستغفرون للذين آمنوا » . (سوره غافر 7).

### نشانه و تأثیر ایمان به فرشتگان در زندگی انسان:

ایمان به فرشتگان نقش و تأثیر مهمی در زندگی روز مره انسان دارد، زیرا اگر انسان حس کند که تحت تعقیب و مراقبت است ، در زندگی خویش احتیاط میکند، و اگر دانست که فرشتگانی مأمور بر او هستند و شب و روز از او نگهداری و مراقبت می کنند، در

اینحال احتیاطی بیشتر بخرچ می دهند. طوریکه در امور دنیایوی نیز چنین است. انسان زمانیکه احساس تعقیب را می کند، با احتیاط قدم بر میدارد. بنا در امر مراقبت فرشتگان نیز باید چنین احتیاط را مراعت کنیم .

مراقبین و جواسیس دنیایوی را حداقل انسانها میتوانند ببینند، ویا هم خود را از دید و نظر آنها میتوان پنهان کرد، ولی فرار ویا هم ستر و مخفی کردن از مراقبت فرشتگانی آسمانی کاری است دشواری . انسان نمیتوان از دید و مراقبت آنان فرار کند .

فرشتگان آسمانی انسان را در همه جا تعقیب می نمایند و همیشه همراه انسان می باشد . خداوند عز و جل به آنان این قدرت را داده تا هر جائیکه خداوند به آنها فرمان دهد خود را برسند، به همین خاطر خداوند می فرماید : «وإنَّ علیکم لحافظین کراماً کاتبین یعلمون ما تفعلون» . (سوره الانفطار 10 - 12) . خداوند اینرا فرموده تا ما مواظب خود باشیم . و این ثمره ایمان به فرشتگان است که انسان مواظب گفتار و کردار بد خود بود، تا اینکه بر او چیزی نوشته نشود، وگرنه روز قیامت مجازات خواهد شد .

### عمل فرشتگان به عمل شیطان چه تفاوتی دارد؟

1 - فرشتگان تسبیح و تنزیه و سپاس خداوند را میگویند، و برای کسانیکه در زمین هستند استغفار می کنند ، و آنها بهترین پند دهندگان و ناصحترین مخلوقات خدا به بنی آدم هستند، و شیاطین از خائن ترین مخلوقات خدا به بنی آدم می باشند، زیرا شیاطین عهد و پیمان بسته اند که تا آنجائیکه بتوانند بنی آدم را گمراه کرده فریب دهند و او را به هلاکت برسانند .

### 2 - فرشتگان به نیکی و خوبی امر می کنند.

و شیاطین به فساد و بدی امر می کنند ، چنانکه خداوند می فرماید : «ومن یعش عن ذکر الرحمن نفیض له شیطاناً فهو له قرین» . (سوره الزخرف 36) . (و هر کسیکه خود را به کوری، و از قرآن که یاد خدای مهربان و رحمت خدا برای جهانیان است روی بگرداند، برای او شیطانی برانگیزیم تا همیشه با او همراه و همنشین باشد) .

پس کسانیکه از قرآن اعراض کرده و به آن پشت کنند خداوند سبحانه و تعالی آنان را عذاب میدهد به اینکه شیطانی بر او مسلط و چیره کرده تا همیشه همراه او باشد .

و همچنین می فرماید : «وإنَّهم لیصدونهم عن السبیل ویحسبون أنَّهم مهتدون حتی إذا جاءنا قال یالیت بینی وبینک بعد المشرقین فبئس القرین» . (سوره الزخرف 37 - 38) . (و بتحقیق آن شیطانها همیشه آن مردم را از خدا غافل کرده به گمراهی می کشانند، و ایشان گمان می کنند که براه راست رسیده اند، تا وقتیکه از دنیا بسوی ما باز آید آنگاه با نهایت حسرت گوید: ای کاش میان من و تو فاصلهٔ میان مشرق و مغرب بود که او بسیار همنشین و یار بدی برای من بود . و چیزی انسان را از شیطان دور نمی کند ، بجز ذکر و یاد خدایتعالی .

3 - اینکه ذکر خداوند شیطان را از او می راند ، و فرشتگان نزد او حاضر می شوند . و به همین خاطر شیطان را: الوسواس الخناس نامیده اند . و هرگاه انسان ذکر خداوند را ترک کرد شیطان بسوی او می آید و هرگاه ذکر خدا کند

فرشتگان دور او جمع میشوند، چنانکه در حدیث آمده: « ما اجتمع قوم فی بیت من بیوت الله یتلون کتاب الله ویتدارسونه بینهم إلا نزلت علیهم السکینه و غشیتهم الرحمة و حفتهم الملائکه و ذکرهم الله فیمن عنده ». (مسلم) . هرگاه گروهی از مردم در خانه ای از خانه های خدا (یعنی در یکی از مساجد) کرد آیند تا کتاب خدا قرآن را بخوانند و درسهای آنرا بهم بفهمانند آرامش بر دلهای ایشان فرود آید، و مهر و رحمت خدا ایشان را فرا گیرد، و فرشتگان ایشانرا در بر گیرند، و خداوند ایشان را میان کسانیکه نزد اوست یاد کند .

### شوخی با ملائکه:

طوریکه گفته آمدیم: ایمان به ملائکه و تکریم و تقدیر آنها جزو ارکان ایمان است، بنا شوخی و تمسخر در باره ملائکه در فهم شرعی جواز نداشته و هر کسیکه به چنین عمل دست زند عمل کفری اجرا میکند. و کافر میگردد.

تعداد کثیری از علماء و مفسرین با استناد از آیات قرآنی و احادیث نبوی شوخی و استهزاء به ملائکه یا یکی از آنان را کفر محسوب میدارند . و معتقد اند کسانیکه دست به چنین عملی می زنند ، میگویند این عمل موجب خروج شخص از اسلام و موجب ارتداد یک انسان میگردد : این عده از علماء به آیات ( 65 و 66 سوره توبه ) استدلال نموده میفرمایند : « وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ \* لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنَّ نَعْفَ عَنْ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ نُعَذِّبُ طَائِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ » (یعنی : « و اگر از آنها بپرسی (چرا این اعمال خلاف را انجام دادید؟! )، میگویند : «ما بازی و شوخی می کردیم!» بگو : « آیا خدا و آیات او و پیامبرش را مسخره می کردید؟! » (بگو: ) عذر خواهی نکنید (که بیهوده است؛ چرا که) شما پس از ایمان آوردن، کافر شدید! اگر گروهی از شما را (بخاطر توبه) مورد عفو قرار دهیم، گروه دیگری را عذاب خواهیم کرد؛ زیرا مجرم بودند» .

عالم جلیل القدر اسلام امام ابن حزم می فرماید :

«از طریق نص شرعی ثابت است که هرکس خداوند متعال یا یکی از ملائکه یا یکی از انبیاء علیهم السلام یا آیه ای از قرآن و یا فریضه ای از فرائض دینی را به استهزاء و مسخرگی بگیرد، چنانکه حجت بر او تمام شده باشد او دیگر کافر است، چرا که اینها همه آیات الهی هستند» « الفصل فی الملل و الأهل و النحل » (142/3) .

و باز فرمودند : « هرکسی خدا را دشنام دهد یا مورد استهزاء و تمسخر قرار دهد، و یا ملائکه ای را دشنام دهد یا مورد استهزاء و تمسخر قرار دهد، یا پیامبری را دشنام دهد یا مورد استهزاء قرار دهد، یا آیه ای از آیات خداوند را دشنام دهد یا مورد استهزاء قرار دهد، او با این عملش کافر و مرتد گشته و حکم مرتد دارد، و شرائع الهی و قرآن همه از آیات الهی هستند» « المحلی » (413/11) .

و ابن نجیم حنفی می گوید : «با ایراد گرفتن از یکی از ملائکه یا سبک شمردن آن کافر می گردد» « البحر الرائق » (131/5) .

حتی بعضی از علماء متذکر شدند که انسان با هرگونه سخنی که احساس استهزاء و سخرگی از آن رود کافر می شود، چنانچه ابن نجیم گفته : « اگر کسی به دیگری بگوید :

دید من به تو مثل دید ملک الموت است، بعضی (از اهل علم) بر خلاف اکثریت گفتند : کافر می شود».

### جاهائیکه فرشتگان به آنجا می روند:

فرشتگانی هستند که جهانگردند و در جستجوی حلقه های ذکر و درس هستند، و اگر حلقه ای از علم و دانش را دیدند به همدیگر می گویند: بیائید که نیاز خود را پیدا کردیم . و حلقه های ذکر بسیار است و از آنجمله عبارتند از:

- 1 - تلاوت قرآن، پس هرکس قرآن را تلاوت کند ذکر خدا را بجا آورده است .
- 2 - و کسیکه نماز می خواند ذکر خدا را بجا آورده است .
- 3 - و کسیکه تسبیح و تهلیل و تکبیر و استغفار و سپاس خدا کند ذکر خدا را بجا آورده است .

در اینجا فرشتگان اطراف و پیرامون آنها جمع می شوند و شیاطین از آنها دور می شوند

- 4 - کسیکه کتابهای علمی را مطالعه میکند و برای علم و دانش حلقه می زند تا علم و دانش بیاموزد ذکر خدا بجا آورده و فرشتگان پیرامون و اطراف وی جمع می شوند .

### جاهائیکه شیاطین به آنجا می روند:

- 1 - کسانیکه وقت خود را بیهوده صرف می کنند مانند: مجالس موسیقی و ترانه و تئاتر (صحنه نمایش)، شیاطین پیرامون آنها جمع می شود و فرشتگان از آنها فاصله می گیرند.
- 2 - کسیکه عکس جاندار در خانه آویزان کند فرشتگان به خانه اش داخل نمی شوند چنانکه در حدیث آمده: « إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَا تَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَلَا صُورَةٌ » . (متفق علیه) . فرشتگان به خانه ای که در آن سگ و عکس باشد داخل نمی شوند ، پس فرشتگان رحمت به خانه هائیکه در آن عکس وجود دارد داخل نمی شوند .

### سابقه دشمنی شیطان با بشر:

مطابق حکم قرآنی دشمنی شیطان با انسان سابقه طولانی داشته ، طوریکه قرآن عظیم الشان در مورد میفرماید : « إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمُ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ (سوره فاطر آیه 6) پروردگار با عظمت به انسان میفرماید : شما نیز او را دشمن بگیرید؛ جز این نیست که او دار و دسته‌ی خود را فرامی‌خواند تا از اصحاب دوزخ باشند.

گفتیم سابقه دشمنی شیطان با انسان طولانی بود. همین شیطان بود که با وسوس مدبرانه خویش ادم و حوا را فریب داد و آنان را از جنت بیرون کشید . « كما اخرجك ابويك » (سوره اعراف، 27) .

## سوره الانفطار

---

باید برای تمام انسانها اعلان کرد ، که شیطان چنان دشمن خطرناک و محیلی است که به چشم دیده نمی‌شود مگر او شما را می بیند . «اِنَّهٗ یریکم هو و قبيله من حیث لا ترونهم» (سوره اعراف، 27).

در روایات اسلامی با تمام صراحت گفته شده است که شیطان دشمن قسم خورده است. «فبِعَزَّتْكَ...» (ص، 82). از هر سو حمله می‌کند. «من بین ایدیهم و من خلفهم...» (سوره اعراف، 17). وسیله‌ی او برای انحراف مردم، وعده‌ی فقر و امر به فحشا است. «الشَّیْطَانُ یُعِدُّکُمُ الْفَقْرَ وَ یَأْمُرُکُمُ بِالْفَحْشَآءِ» (سوره بقره، 268) او جز با دوزخی کردن مردم راضی نمی‌شود. «یدعوا حزبه لیکونوا من اصحاب السعیر»

صدق الله العظیم و صدق رسوله نبی الکریم.

### فهرست :

معلومات مؤجز

اسباب نزول

وجه تسمیه

فضیلت سوره الانفطار

ترجمه مختصر

آشنایی با سوره

تفسیر سوره

فرشتگان نیت و قصد انسانها را هم می نویسند

توضیح مختصر درباره روز قیامت

وضع زمین و دریاها و کوه ها

وضع آسمان و ستارگان

نفخ صور

اوصاف رستاخیز

وجوب ایمان به فرشتگان

نشانه و تأثیر ایمان به فرشتگان در زندگی انسان

عمل فرشتگان به عمل شیطان چه تفاوتی دارد !

شوخی با ملائکه

جاهائیکه فرشتگان به آنجا می روند

جاهائیکه شیاطین به آنجا می روند

سابقه دشمنی شیطان با بشر

### منابع و مأخذ های عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تالیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال 774 هـ)
- امام سیوطی کتاب « اسباب النزول »
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفانی
- جلوه های از اسرار قرآن مهندس حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مولف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن / سید قطب (متوفی سال 1387 هـ)
- تفسیر نور تألیف دکتر مصطفی خرم دل
- تفسیر کابلی (تالیف: شیخ محمود الحسن دیوبندی مترجم: هیاتی از علمای افغانستان)
- صحیح مسلم
- صحیح البخاری